

# آثار هفت هزار ساله دشت تیرین نمونه دیگری از هشتگانه تیرین در فلات ایران

آقای دکتر عیسی بهنام

در سال‌های اخیر در نقاط دیگری از این دشت کاوش‌هایی بوسیله استادان دانشگاه تهران انجام گرفته و اینطور بنظر می‌آید که در این دشت نقاط پیش از تاریخی بیشتری وجود دارد که میتواند موضوع کاوش‌های دقیقی گردد.

اسمعیل‌آباد در کنار رشته جبال البرز واقع است و وضع جغرافیایی آن بصورتی است که در ایام بهار قسمتی از تابستان در نتیجه سرازیر شدن جویبارها از کوهستان میتواند مورد استفاده زراعت و گلهداری قرار گیرد و شاید همین امر سبب شده است که از روزگاران بسیار کهن اجتماعات کوچک در این

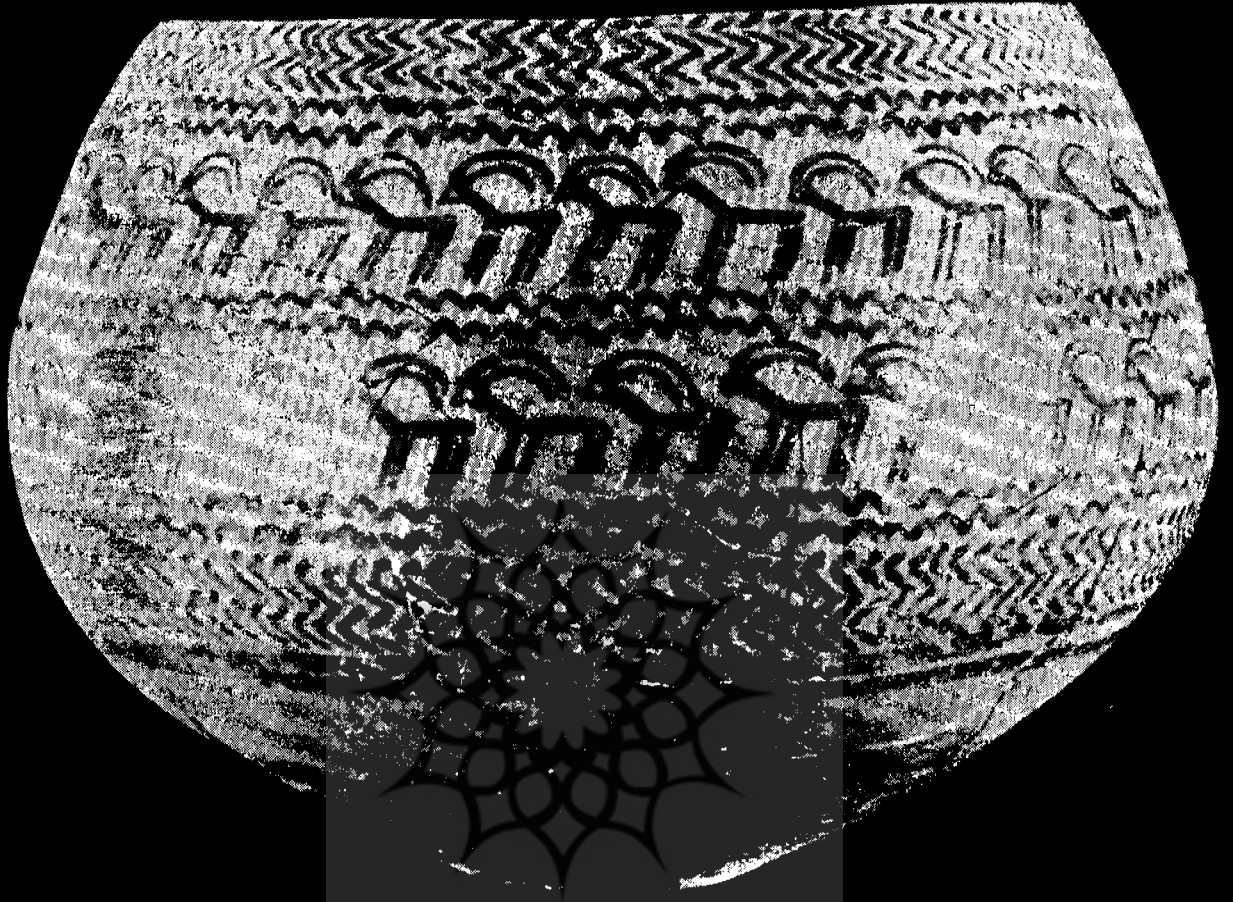
روزگاری، در حدود هفت هزار سال پیش، در دشت وسیعی که بین قزوین و ری قرار دارد مردمی سکونت میکردند که از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بوده‌اند.

ویرانه‌هایی که امروز در مکانی بنام «اسمعیل‌آباد» قرار دارد در فاصله ۸۰ کیلومتر در شمال غرب تهران است. مدت‌ها مردم قریه‌های مجاور آن در جستجوی گنج خاک آنرا زیرورو کرده‌اند و قسمت مهمی از ظروف سفالینی که در گورمردگان هفت هزار سال پیش یافتند به این طریق از میان رفت، تا در تاریخ ۱۳۳۶ هیأتی به سرپرستی آقای مهندس علی حاکمی و آقای مصطفی راد از طرف اداره کل باستان‌شناسی مأمور تحقیق در آن مکان گردید و اشیاء بسیار جالبی بدست آورد که امروز در موزه ایران باستان در تهران در معرض نمایش قرار داده شده است. خانم مرحوم پروفیسور عباس ملکی که در حال حاضر با پروفیسور واندنبرگ در لرستان به تحقیقات باستان‌شناسی میبرد، و از ابتدای ورودش به ایران به مطالعه باستان‌شناسی در این کشور علاقه زیاد نشان داده است، چند مقاله راجع به اشیاء مکشوف در اسمعیل‌آباد بزبان فرانسه در مجلات مختلف منتشر نمود. سپس کاوش‌هایی که بوسیله هیأت باستان‌شناسی ایرانی در نقطه دیگری در همین حدود، بنام «خوروین» انجام گرفت موجب شد که توجه باستان‌شناسان به این ویرانه‌ها جلب گردد و تحقیقات دقیقی از جانب دانشمندان باستان‌شناس راجع به تمدن پیشرفته‌ای که در دشت وسیع واقع بین قزوین و ری در روزگار کهن قرار داشته بعمل آید.



کاسه سفالین مکشوف در ویرانه‌های اسمعیل‌آباد. زمینه کاسه رنگ قرمز و نقش آن سیاه است. قطر دهانه ظرف ۳۰ سانتیمتر و ارتفاع آن ۴۲۵ میلیمتر است. خانم یولاند ملکی همسر مرحوم پروفیسور عباس ملکی آنرا به‌هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح نسبت داده است.

نقش این ظرف دو ردیف بزکوهی باشاخ‌های بلند را نشان میدهد که در کنار جویبار و در میان مزرعه‌ای در حرکت‌اند. سبک هنری این نقش پایه بلند مهارت کوزه‌گر یا نقاش را نشان میدهد و چنین مهارت هنری فقط در میان مردمی دیده میشود که از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار باشند.



پروپشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

منطقه جمع شوند .

در اینجا باز این مطلب روشن میشود که اجتماعات اولیه انسانها اجباراً در کنار رودخانه‌های بزرگ مانند رود نیل و دجله و فرات بوجود نیامده‌اند و اتفاقاً شیب‌های ملایم در دامنه‌های پست کوهستان که منتهی به جلگه‌ها میشد و در آن کشت بصورت «دیمی» انجام میگرفت برای سکونت انسان‌های اولیه مناسب‌تر بوده است .

آنچه موجب تعجب باستان‌شناسان میگردد این است که اشیایی که در این مکان از هفت هزار سال پیش باقی مانده اثر دست انسان‌هایی است که دارای تمدن پیشرفته‌ای بودند و مراحل اولیه زندگی را مدت‌ها پیش پشت‌سر گذاشته بودند .

اینها انسان‌هایی نبودند که زندگی خود را منحصرأ در غارهای طبیعی و با شکار حیوانات و صید ماهی و جمع‌آوری دانه‌ها بگذرانند ، بلکه به مرحله‌ای رسیده بودند که دانه‌ها را میکاشتند و در موقع معین آنرا میچیدند و برای روزهای زمستان انبار میکردند . درخانه‌های گلی که میساختند به پرورش

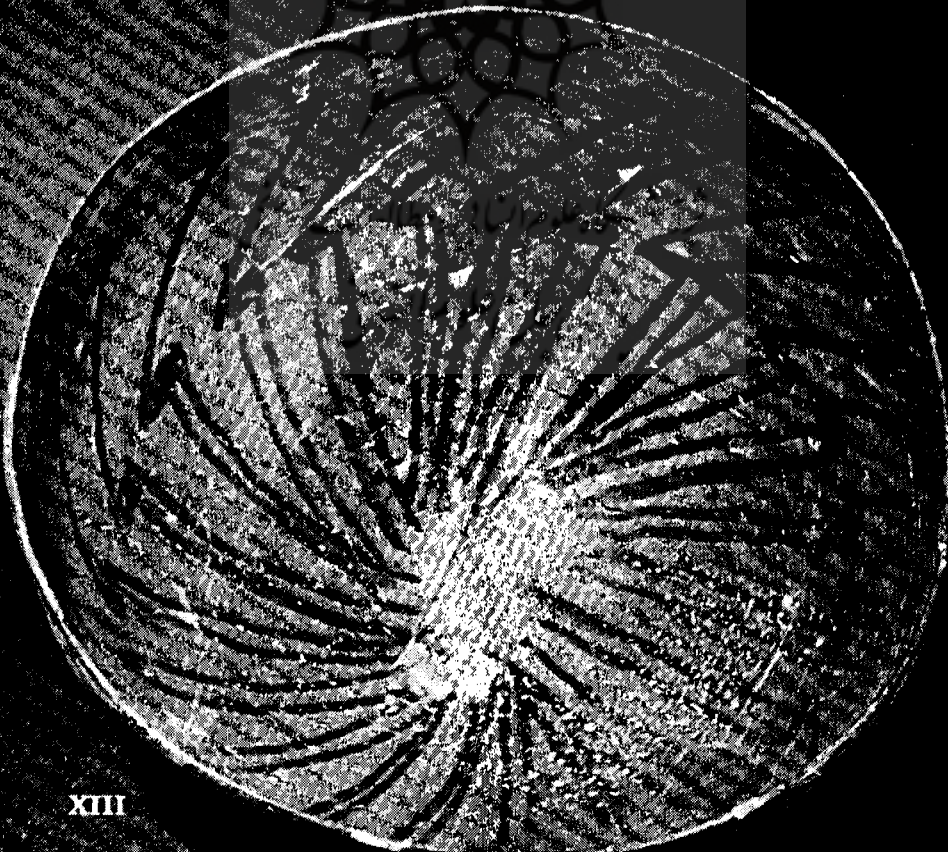
حیوانات اهلی میپرداختند و از تمام فراورده‌هایی که از گله‌های گوسفند و بز و حیواناتی همانند آنها میتوانست بدست آید استفاده مینمودند .

آنچه بیش از همه موجب تعجب ما میگردد درجه پیشرفته هنری است که ظروف سفالین مکشوف در این ناحیه بما نشان میدهد .

کاسه‌ای که درعکس شماره (۱) ملاحظه میفرمایید شامل نقوشی است که نظیر آن روی ظروف مکشوف در «چشمه‌علی» واقع در «ری» بدست آمده و این امر سبب میشود که ما میتوانیم ادعا کنیم که تمدنی که گوشه‌ای از آنرا در اسمعیل‌آباد و در دامنه کوه البرز و کنار جلگه وسیع ری تا قزوین می‌بینیم منحصر به یک ناحیه نبوده بلکه از اسمعیل‌آباد تا ری و شاید هم کمی دورتر از آن تا دشت ورامین مردمی مسکن داشتند که برخوردار از تمدنی بودند که خصوصیات مشترکی داشته است . هنوز در دوطرف راهی که از قزوین به کرج میرود تپه‌های مصنوعی نسبتاً بلندی دیده میشود که پوشیده از قطعات

کاسه سفالین مکشوف در ویرانه‌های اسمعیل‌آباد بازمینه قرمز کم‌رنگ و نقوش سیاه‌رنگ ، شامل نقش مرغان آبی . این ظرف در اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح یعنی تقریباً شش هزار سال پیش ساخته شده است و قطر دهانه آن ۴۵۵ میلیمتر و ارتفاع آن ۱۵ سانتیمتر است .

ISMAÏLABAD



XIII

سفال پیش از تاریخ است و چنین حکایت میکند که در این مکان‌ها سابقاً خانه‌های گلی وجود داشته که معمولاً پس از گذشت یک نسل خراب میشده و خانه‌های گلی دیگری روی ویرانه‌های آن میساختند و به این طریق این تپه‌های مصنوعی که شامل طبقات متعددی از آثار ساختمانی نسل‌های مختلف است بوجود آمده است. یکی از این تپه‌ها در فاصله ۲۰ کیلومتر از کرج در کنار جاده آسفالت شده قزوین قرار دارد و اگر شما اتومبیلتان را چند دقیقه در کنار آن متوقف کنید و پیاده شوید قطعات سفال روزگاران پیش از تاریخ را روی آن مشاهده خواهید کرد. فقط باید متوجه باشید که در کنار تپه مزبور پست ژاندارمری قرار دارد و ممکن است شما را به عنوان جوینده گنج مورد اعتراض قرار دهد.

در نقش کاسه مورد بحث ما بزهای کوهی که شاخ بلندی دارند بصورت مصنوعی طوری نشان داده شده‌اند که به ما احساس حرکت میدهند و با احتمال قوی خطوط شکسته‌ای که در زیر پای آنها نشان داده شده نماینده جوی آب است که از میان مزرعه‌ای که بصورت خطوط منحنی دیگری مجسم گردیده عبور میکند.

بهر حال هر طوری که ما این نقوش را تعبیر کنیم منکر این نمیتوانیم بشویم که از نظر زینتی روی کاسه سفالین موفقیت کاملی از هنر کوزه‌گر یا نقاش است.

بسیار مشکل است بتوان این نقوش را بطور دقیق تعبیر کرد ولی این امکان هم وجود دارد که این نقوش نشانه‌ای یا «سمبولی» باشند که از مفهومی مذهبی یا غیرمذهبی یا خرافاتی حکایت میکنند. مثلاً شاید هنرمند خواسته است با ایجاد چنین نقوشی بوجود آمدن آب فراوان و گله‌های شکار و فرآورده‌های کشاورزی خوب را تشویق کند. همچنانکه ما امروز با نوشتن یک سوره از کتاب مقدس روی یک ظرف یا یک فرش یا بالای در خانه از خداوند سلامتی و خوشبختی را طلب مینماییم. شاید این نقوش هم در آن روزگارها که خطی وجود نداشته چنین مفاهیمی را دربر داشته‌اند و من با ارائه عکس دیگری (عکس شماره ۲) داخل کاسه سفالین دیگری را که بعقیده خانم ملکی از اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح است ارائه میدهم. نقاش یا کوزه‌گر داخل این کاسه را نیز با نقش پرندگان که معمولاً در کنار آب‌ها زندگی میکردند بسبک زیبایی نشان داده است.

من ناچارم نقوش مختلفی را که روی تعدادی از ظروف مکشوف در اسمعیل‌آباد وجود دارد و خانم «یولاند ملکی» آنها را با مرکب چین کپی کرده است ارائه دهم تا خوانندگان محترم این مجله با هنر مردم اسمعیل‌آباد در روزگاران پیش از شش هزار سال قبل‌آشنایی بیشتر پیدا کنند. شکل شماره ۱۲ نقش خارج کاسه‌ای را نشان میدهد که شکل آن در کنارش

بصورت «کروکی» قرار داده شده. تمام عکس‌های این مقاله از خانم ملکی است که در یکی از شماره‌های مجله «آرکئولوژیا» بنام «آرکئولوژی و بیوانت» چاپ شده است. این نقش از خطوط شکسته تشکیل یافته و حتی در عصر حاضر نیز روی گلیم‌های بسیاری از نقاط کشور ما دیده میشود و معلوم نیست منظور کوزه‌گر یا نقاش از ایجاد آن روی ظرف چه بوده است. آیا میخواست است منظره‌ای از طبیعت مثلاً جوی آب یا چیز دیگری را نشان دهد یا این نقش مفهوم مذهبی یا غیرمذهبی بخصوص داشته است. بهر حال کاملاً پیداست که نقاش از مراحل اولیه تقلید از طبیعت تجاوز کرده و به مرحله‌های پیشرفته مصنوعی‌سازی رسیده است. و همین مطلب از این حکایت میکند که مردم این ناحیه در هزاره پنجم پیش از میلاد در مراحل اولیه تمدن سیر نمیکرده‌اند و برای رسیدن به چنین مرحله‌ای از تمدن لازم بوده است که سابقه زیادی پشت سر خود گذاشته باشند.

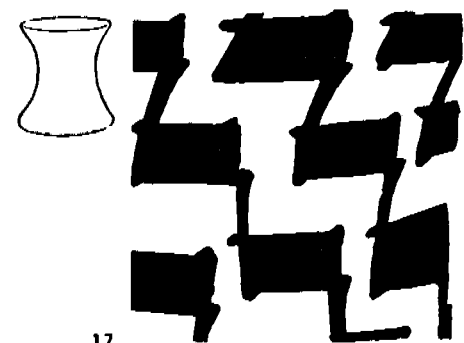
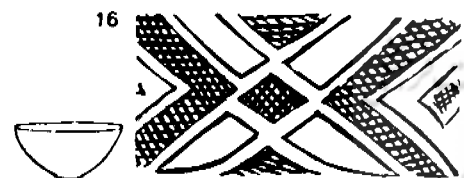
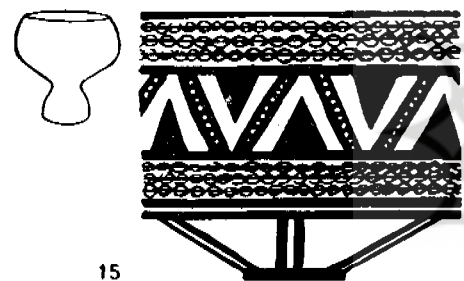
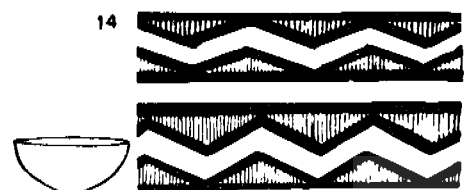
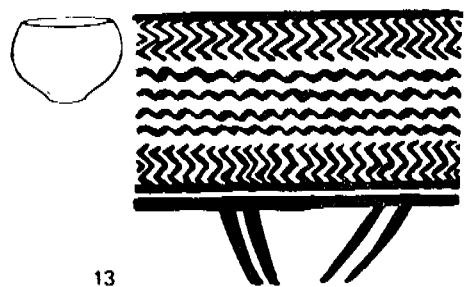
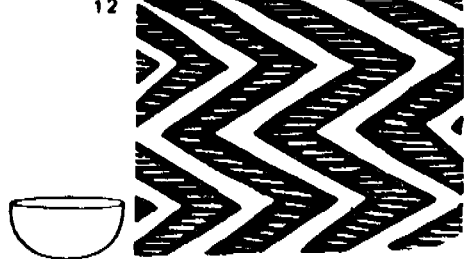
شکل شماره ۱۳ نیز از خطوط شکسته ترکیب یافته است. تقریباً در تمام شکل‌ها نقش خطوط شکسته دیده میشود و مشخص نیست آیا واقعاً این نقش مفهوم بخصوصی داشته است یا خیر. ما امروز نظیر چنین نقش‌هایی را روی نمدها و گلیم‌های نقاط مختلف ایران می‌بینیم ولی میدانیم که اکنون این نقوش در واقع دنباله همان نقوش قدیمی است که ادامه یافته و امروز برای هیچ کس مفهوم مشخصی ندارد. اما معلوم نیست در ابتدا به چه سبب کوزه‌گران در ناحیه‌ای مانند اسمعیل‌آباد در نشان دادن چنین نقشی اصرار داشته‌اند.

شکل شماره ۱۴، ۱۵ و ۱۶ نیز دارای همین خصوصیات است ولی شکل شماره ۱۷ که روی یک نوع آب‌خوری نقش شده ممکن است گاوهایی را نشان دهد که روی زمین خوابیده‌اند و بهر حال با نقوش بالا تفاوتی دارد.

نقش شماره ۲۲ در دو طرف شکل ذوذنقه‌ای دو حیوان شاخ‌دار را بصورت کاملاً مصنوعی نشان داده است و به همین طریق نقش شماره ۲۳ یک ردیف مرغ‌های آبی را بصورت بسیار زیبایی تقریباً بسبک کاملاً «امروزی» مصور کرده است. شکل شماره ۲۴، ۲۶ و ۲۷ نیز تقلیدی بصورت مصنوعی از طبیعت است ولی شکل ۲۷ باز از خطوطی ترکیب یافته که با کمال مهارت و زبردستی کشیده شده است و ممکن بود آنرا در یکی از نمایشگاه‌های نقاشی امروزی بصورت شاهکاری معرفی نمود.

شکل شماره ۲۸ در میان کاسه پایه‌دار نقش خورشید را نشان داده است و در روی ظروف شکل ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۳ باز نقوش لوزی‌شکل و خطوط شکسته و در شکل ۳۲ نقش ماهی‌ها در آب دیده میشود.

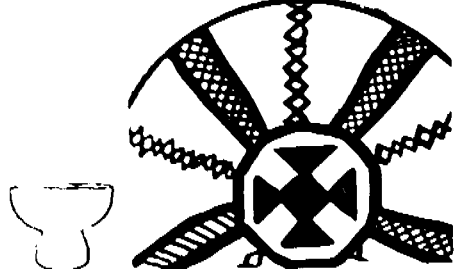
چه نتیجه‌ای میتوان از کشفیات اسمعیل‌آباد گرفت؟ البته در اسمعیل‌آباد جام‌های طلا و اشیاء قیمتی بدست نیامده



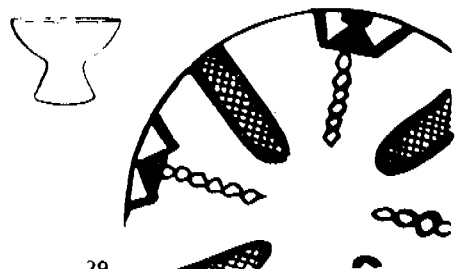
زیرا اولاً پیش از اینکه هیأت کاوش گران اداره کل باستان شناسی در آن به حفاری بپردازند تقریباً تمام آن ناحیه مورد کاوش جویندگان گنج قرار گرفته بود. ثانیاً مردم اسمعیل آباد مانند مردم رودبار و «کلاردشت» این فلز قیمتی را در اختیار نداشتند. نتیجه‌ای که میتوان از مطالعه این شکل‌ها گرفت این است که این سفال‌های ناچیز اهمیت بیشتری از اشیاء زرین دارد. در واقع این نقوش از حیث سبک هنری و شباهت شکل‌ها با نقوش دیگری که روی ظروف مکشوف در ری و «تل‌نگون» و شوش و «تپه‌گیان» و بطور کلی در تمام نقاط فلات ایران پیدا شده همبستگی و خویشاوندی بدون تردیدی دارد.

مسئله مهم این است آیا این مردمی که در تمام فلات ایران و حتی در شبه جزیره آناتولی تا دریای مدیترانه در حدود هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح از این تمدن پیشرفته برخوردار بودند همگی از فرزندان یک انسان بودند که در نقطه‌ای از همین سرزمین برای نخستین بار خلق شده و تدریجاً گسترش یافته‌اند یا انسان‌هایی بوده‌اند که جدّ اولیه آنها در نقطه‌ای خارج از فلات ایران، مثلاً در آسیای مرکزی یا استرالیا یا افریقای جنوبی خلق شده و سپس به این نواحی کوچ کرده‌اند. یا اینکه چنین فرض کنیم که در زمان معینی در هر یک از این نقاط در نتیجه وجود شرایط مشخصی انسان‌هایی خلق شده‌اند و بعداً با یکدیگر تماس و رابطه پیدا کرده‌اند. این موضوع از حدود علم باستان شناسی خارج است، زیرا ما میدانیم که در نقاطی مانند جنوب افریقا، در «ژوهانسبورگ»، و در «پکن» و در چند نقطه دیگر از جهان مجموعه‌هایی پیدا شده است که بنا بر تشخیص بزرگترین دانشمندان باستان شناس و زیست شناس بیش از ۵۰۰ میلیون سال قدمت دارند.

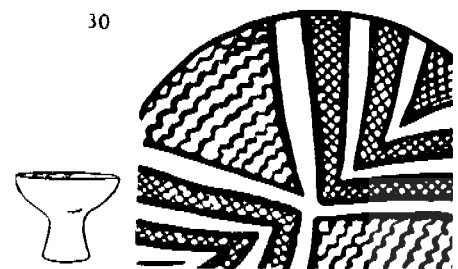
این امر مسلم است که تاکنون هرچه در قسمت‌های مختلف فلات ایران پیدا شده حاکی از تمدنی است که از حدود ده هزار سال پیش از میلاد مسیح تجاوز نمی‌کند و آثار مراحل اولیه بسیار قدیم زندگی بشر در این نواحی هنوز بدست نیامده است. ولی این مطلب دلیلی بر این نیست که این مردم مراحل اولیه زندگی را در نقاط دیگری از جهان گذرانده و فقط در حدود ۱۲ هزار سال پیش وارد این سرزمین‌ها شده‌اند. شاید علت اصلی این امر این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم به آثار مراحل اولیه زندگی این مردم دست یابیم. آنچه که مسلم بنظر میرسد این است که از رود سند تا دریای مدیترانه در هزاره پنجم پیش از میلاد مسیح مردمی زندگی می‌کرده‌اند که دارای تمدن واحد و مشترکی بوده‌اند و در هر نقطه از فلات ایران و آسیای کوچک یا فلسطین و شام و غیره آثاری کشف میشود که شامل همین خصوصیات است.



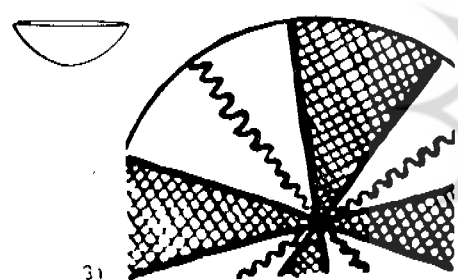
29



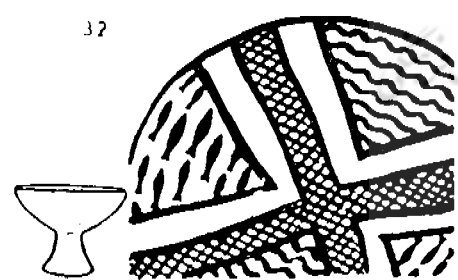
30



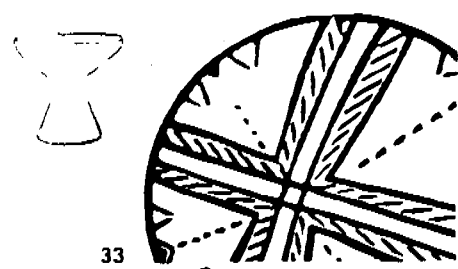
31



32



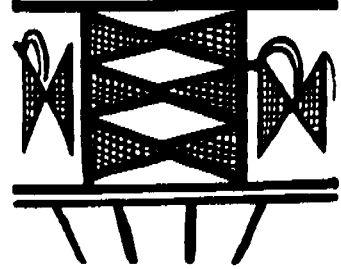
33



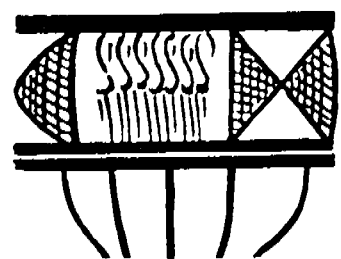
Pang (Sajir Kosika)

där Pang

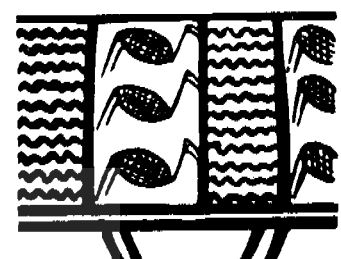
گاہ علوم انسانی و تعلیمات  
پرتال جامع علوم انسانی



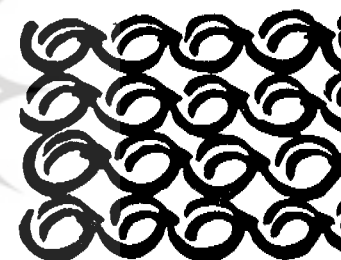
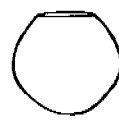
22



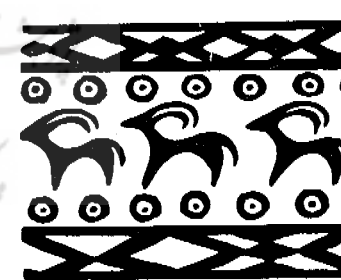
23



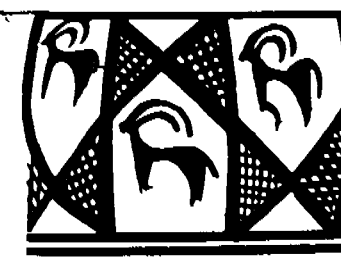
24



25



26



27

